

TALIM Ministries: مؤسسه تعلیم تقدیم می‌کند:

مجله شبان

شماره ۲۹، سال پنجم، دسامبر ۲۰۰۴  
مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین،  
به منظور تشویق، تعلیم، و تجهیز ایشان

# شبان

## پرستش خدا

از کشیش تَت استیوآرت

پرستش بحث کند. می‌خواست در این باره بحث کند که پرستش باید در چه مکانی صورت گیرد، و از ایتره، اعتقاد یهودیان را زیر سؤال ببرد که عبادت باید در اورشلیم انجام شود. این بحث باید به ما هشدار دهد که نشانه‌های پرستش راستین و واقعی، محل یا شکل آن نیست؛ این سؤالات در مورد آشکالی هستند که به واسطه آنها، پرستش مجال بروز می‌یابد اما توجهی به ذات و ماهیت پرستش نمی‌شود. پس لازم است به تعریف و توصیفی که خود خداوند ما در خصوص پرستش به دست داد، توجه کنیم.

تعلیم عیسی ساده است، اما عمیق. اما زمانی می‌رسد، و هم‌اکنون فرارسیده است، که پرستندگان راستین، پدر را در روح و راستی پرستش خواهند کرد، زیرا پدر جوایز چنین پرستندگانی است (یوحنا ۴: ۲۳، هزاره نو). آیا تعریفی از این روش‌تر امکان دارد؟ خدا جوایز پرستندگانی است که او را در روح و در راستی می‌پرستند. این حقیقت محک پرستش راستین و قابل قبول را به دست می‌دهد. (ص ۱۲)

زندگی فاسد آن زن می‌فشد، او بیشتر ظاهر مذهبی به خود می‌گرفت؛ تا اینکه سرانجام موضوع پرستش را پیش کشید. همانطور که مشاهده می‌کنیم، این زن می‌کوشید توجه مقدس عیسی به زندگی خود را منحرف سازد و بحث پرستش را پیش بکشد.

در پرستش ممکن است تحت تأثیر موسیقی پرشور و پرهیاهوی کلیسا یا واعظان کریزماتیک که در فن تحریک و تهییج عواطف انسان مهارت کسب کرده‌اند، به هیچ‌چیز بپیاییم؛ اما این نوع پرستش، آن پرستش راستین در روح نیست

این امر ما را متوجه محکی بنیادین برای پرستش راستین می‌سازد؛ و این محک این است که آیا قادریم در پیشگاه مقدس مسیح بایستیم و او را پرستش نماییم، با اطمینان به اینکه با قربانی او بر صلیب تطهیر شده‌ایم؟ سپس متوجه می‌شویم که این زن می‌کوشید مسائل ثانوی را تبدیل به مسائل اولیه و مهم بسازد. می‌کوشید به جای بحث در باره کارکردهای اساسی پرستش، در باره آشکال

بخش سوم: محک پرستش راستین

خدا روح است و هر که او را پرستش کند، می‌باید به روح و راستی پرستد (یوحنا ۴: ۲۴)

انسان فطرتاً موجودی است مذهبی، اما به طور طبیعی خدای زنده را پرستش نمی‌کند؛ پرستش واقعی زمانی حاصل می‌شود که خدا خودش مستقیماً در روح او کار کند. انسان اگر به حال خود رها شود، گرایش دارد که خدایان دروغین و بتها را پرستد. در بخش پیشین این مجموعه، به تمایل بشر به آشکال گوناگون پرستش‌های نادرست اشاره کردم. در این شماره، می‌خواهیم توجه خود را به محک‌های پرستش راستین معطوف سازیم. برای این منظور، تعلیمی را که خداوند عیسی مسیح در طی سخنانش به زن سامری ارائه داد بررسی خواهیم کرد؛ مسیح در این تعالیم، نکاتی بس عمیق در خصوص ماهیت پرستش راستین خدا به دست داده است.

سخنان عیسی خطاب به زن سامری بر سر چاه، در مضمون و چارچوبی بسیار خاص بیان شده. هر چقدر که عیسی انگشت بر

ص ۱ &gt;

پرستش راستین باید در قدرت روح القدس انجام پذیرد

پرستش خدا در روح بدین معنا است که پرستندگان باید در روح القدس باشند. زیرا خسته‌شدگان واقعی ماییم که در روح خدا عبادت می‌کنیم، و فخرمان در مسیح عیسی است و به افتخارات انسانی خود اتکا نداریم (فیلیپیان ۳: ۳، هزاره نو). پرستش راستین را آنانی انجام می‌دهند که از روح القدس تولد نو یافته‌اند و مطیع خدمت او شده‌اند، زیرا او است که حقیقت را آشکار می‌سازد (یوحنا ۱۶: ۱۳) و عیسی مسیح را جلال می‌دهد. هیچ واعظ و هیچ کلیسایی قادر نیست حضور روح القدس را تضمین کند؛ اگر چنین چیزی امکان‌پذیر می‌بود، کیسا درگیر نوعی شعبده‌بازی می‌گردید و انسان قادر می‌شد از این قدرت برای جلال و افتخار خود استفاده کند. اما چنین نیست، بلکه پرستندگان راستین از روح القدس خواستار پاکی و تقدس می‌شوند و از او می‌طلبند که ایشان را به حضور مسیح بیاورد. این امر مستلزم آن است که رهبران پرستش در جلسات کلیسایی، وقت زیادی صرف دعا کنند و از روح القدس بخواهند که در هر جلسه حاضر باشد. پرستش بدون روح القدس عملی است انسانی و به دور از برکت الهی، و چیزی جز اجرائی آیینی مذهبی برای کسب عدالت شخصی نیست. اما پرستش راستین کاری است که خدا در میان قومش انجام می‌دهد.

پرستش راستین باید در درون

روح اتمل انجام پذیرد

وقتی عیسی می‌فرماید که پدر جوایب کسانی است که او را در روح پرستند، به بُعد دیگری از پرستش نیز اشاره می‌کند که

مربوط می‌شود به شفافیت و صفای کامل روح انسان و تسلیم او به مسیح. اما متأسفانه بیشتر پرستشها در حوزه واکنشی طبیعی به خدا باقی می‌ماند. بدین معنی که ممکن است تحت تأثیر موسیقی پرشور و پرهیاهوی کلیسا یا واعظان کریزماتیک که در فن تحریک و تهییج عواطف انسان مهارت کسب کرده‌اند، به هیجان بیاییم؛ اما این نوع پرستش، آن پرستش راستین در روح نیست.

پرستش در روح زمانی تحقق می‌یابد که تمامی وجود شخص به واسطه مسیح، با فروتنی، مطیع خدای قادر مطلق گردد و شخص طوری به محبت او توکل کند که در پیشگاه او کاملاً عریض شود بدون آنکه در اثر قدوسیت او نابود گردد

یا ممکن است از لحاظ عقلانی در اثر موعظه‌های واعظان برجسته تحریک شویم یا تحت تأثیر قدرت متقاعدکننده کلام ایشان قرار بگیریم، اما چنین حالاتی در نهایت، چیزی جز واکنشی عقلانی پدید نمی‌آورد. یا باز ممکن است از نظر اخلاقی ترغیب شویم تا کارهای عام‌المنفعه و خیرخواهانه انجام دهیم، اما این نیز در بهترین حالت، چیزی در سطح اخلاقیات باقی خواهد ماند. اما پرستش در روح زمانی تحقق می‌یابد که تمامی وجود شخص به واسطه مسیح، با فروتنی، مطیع خدای قادر مطلق گردد و شخص طوری به محبت او توکل کند که در پیشگاه او کاملاً عریان شود بدون آنکه در اثر قدوسیت او نابود گردد. در چنین شرایطی است که احساسات و افکار ما می‌تواند تحت

کنترل روح القدس قرار گیرد. بدینسان، پرستش در روح به این معنا است که خدا تمامیت وجود انسان را- یعنی فکر و احساسات و بدن او را- تحت کنترل روح القدس قرار دهد.

پرستش در راستی یعنی پرستش مسیح که راه و راستی و حیات است

از تعالیم مسیح روشن است که او خود را "راستی" معرفی می‌کند. لذا اگر کسی می‌خواهد خدا را به درستی عبادت کند، باید مسیح را بشناسد و او را نقطه مرکزی پرستش خود قرار دهد، گرچه مسیح اکنون در آسمان است. "مستحق است بره ذبح شده که قوت و دولت و حکمت و توانایی و اکرام و جلال و برکت را بیابد" (مکاشفه ۵: ۱۲). از آنجا که مسیح باید در مرکز پرستش و عبادت ما قرار داشته باشد، این امر را باید در تمام جوانب عبادت خود منعکس سازیم. به همین جهت است که ما مسیحیان در روز یکشنبه عبادت می‌کنیم تا قیام او را به یاد آوریم؛ به نام او دعا می‌کنیم چرا که در اثر فداکاری او بر صلیب است که راه آسمان به روی ما گشوده شده است؛ و در موعظه‌هایمان، اعلام می‌کنیم که مسیح مصلوب شد و قیام کرد و باز می‌گردد، و مردم را به توبه و اطاعت دعوت می‌کنیم. از طریق آیین عشاء ربانی نیز به‌طور خاص مرگ و قیام پر جلال او را به یاد می‌آوریم.

<(ص ۱۰)

پرستش در راستی مستلزم مواجه شدن با خویشتن است

پرستش در راستی همچنین به معنی رویارو شدن با زندگی خودمان در پرتو راستی او است. پرستش در راستی مستلزم این است که با حقیقت وجود خودمان مواجه شویم و بکوشیم تا خود را با مکاشفهای که مسیح در کلامش داده، انطباق دهیم. اخیراً شخصی از من پرسید: "وقتی کسی نیست که تو را ببیند، چه نوع شخصی هستی؟" او می‌خواست بداند که من تا چه میزان درک

کرده‌ام که زندگی‌ام باید زیر نگاه خدا باشد، یا زیر نگاه مردم. پرستش راستین یعنی اینکه همه چیز را زیر نگاه مقدس خدا قرار دهیم. این بدان معنا است که در عبادت، باید از آن اموری که در زندگی‌ام خدا را خشنود نمی‌سازد آگاه باشم، و از او طلب آموزش کنم. در پرستش و عبادت گروهی، این بدان معنا است که باید مراقب باشیم تا مبدا روشهای غیر کتاب مقدسی وارد عبادت ما گردد. برای مثال، باید مراقب باشیم که دادن هدایا به خدا برای کسب آموزش، جای توبه قلبی را نگیرد؛ باید مفهوم عمیق ده یک را تعلیم دهیم تا ایمانداران فکر نکنند که دادن ده یک ایشان را در حضور خدا عادل می‌سازد؛ باید از هر عملی که موجب جلال یافتن نوازندگان یا واعظ می‌شود اجتناب ورزیم. در عبادت و پرستش خدا، دعوت می‌شویم تا با وضعیت روحانی واقعی خود مواجه شویم و از خدا رحمت بیابیم و زندگی خود را همچون قربانی زنده به او تقدیم نماییم.